

متن پرسش

سلام علیکم: حضرتعالی در کتاب فرهنگ مدرنیته و توهم، اشاره داشتید به شکل گیری معرفت مدرن که بر پایه توهم است و بعلت خیالی و وهمی بودن جهانی شده است و سعی در انسان مدرنیته این است که او صورت ساخته خود بر اساس ارضای امیال و آرزوها را بر جهان و عالم طبیعت حاکم کند. آیا با وجود رویکرد عقل گرایان و واقع گرایان در شروع دنیای مدرن مثل کانت و مدتهای بعد از آن با ظهور روند پست مدرن، آن وهمی بودن و خیالی شدن (که عامل اصلی جهانی شدن مدرنیته است و برای سایر ملل هم چنین فضای وهمی و خیالی ساخته است) همچنان عامل اصلی معرفتی و بالتبع جهانی شدن این تمدن است؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: کاملاً چنین است که متوجه شده‌اید. در حدی که آقای شپنهاور که ادامه‌دهنده اندیشه‌ی کانت است تحت تأثیر نظریه‌ی کانت، معتقد است جهان تنها مربوط به اراده‌ی ما است و ما کاری به نومن‌ها نداریم. موفق باشید